

۲) صحابی بودن، نشانه مدح راوی

رسول طلائیان^۱

مهدی لاهیجی^۲

صحابی از ماده «ص ح ب» به معنی همراهی است. مشتقات این ماده، مفهوم «همدلی»^۳ یا «طولانی بودن» بازه را پیوست خود دارند. کاربری «صاحب المال» برای «مال دار» با پیوست دوم صورت گرفته است.^۴ این ماده در مفهوم «پناه دادن» نیز کاربرد دارد؛ مانند «و لا هُم مِنَّا يُصْحَبُونَ»

و نه در برابر ما پناه داده شوند.»^۵ این کاربرد در حقیقت، بهره‌گیری از پیوست نخست است.^۶

کاربرد واژه «صحابی» یا تعبیر «صاحب فلانی» برای همراهان پیامبر و ائمه صلوات الله علیهم به دوره حضور ایشان برمی‌گردد. این واژه در کاربرد اصطلاحی‌اش، دارای همان معنای لغوی «همراهی و همدلی» بوده و تنها تفاوت مصطلح با ماده، افزایش مضاف الیه «پیامبر و ائمه» علیهم السلام است. در علم الحدیث، تعریف این واژه، محل بحث‌های گوناگونی بوده است. بسیاری از اهل سنت آن را این‌گونه معنای کرده‌اند:

هر کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را در حال ایمان دیده و در حال اسلام نیز وفات کرده باشد.^۷

برخی از شیعیان نیز تحت تأثیر اهل سنت به همین تعریف گرایش یافته‌اند.^۸ تعریف پیش گفته، بدون توجه به کاربری‌های ماده «ص ح ب» در زبان عرب، ارائه شده و از این رو مورد انتقاد برخی از پژوهشگران قرار گرفته است.^۹

۱. پژوهشگر حوزه علمیه قم.

۲. پژوهشگر حوزه علمیه قم.

۳. ن. کد النساء، ۳۶؛ و الصَّاحِبُ بِالْجَنَبِ.

۴. و نیز ن. کد القلم، ۴۸؛ صَاحِبُ الْحَوْبِ. هرچند این آیه قابل ارجاع به پیوست نخست نیز هست.

۵. الانبیاء، ۴۳، ترجمه آیتی.

۶. ن. کد العین، ج ۳، ص ۱۲۴؛ الصَّاحِ، ج ۱، ص ۱۶۲؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۳۵؛ الفروق اللغویة، ص ۳۰۸.

۷. نخبة الفكر، ص ۶۵.

۸. الرعاية، ص ۳۳۹.

۹. ن. کد معالم المدرستین، ج ۱، ص ۱۰۶.

همین تعریف، زمینه برخی از شبهه‌های رجالی را فراهم ساخت. یکی از فرضیاتی که درباره توثیقات عام رجالی مطرح شده، استفاده از تعبیر «صاحب‌الفلانی» است. برای برخی از راویان، این تعبیر به کار رفته و به جای واژه «الفلانی» نام امام یا امامانی که او با آنها همراهی داشته، قرار گرفته است. این کاربری، محل بحث‌های پسینی واقع شده که آیا، پیشینیان از به‌کاربردن واژه «صاحب» یا «صحابی»، منظوری در مسیر روایت‌گری راوی داشته‌اند یا این که تنها درصدد تعیین طبقه او بوده‌اند؟ برخی از نویسندگان، این واژه را تنها برای شناخت دوره زندگی راوی، مفید دانسته‌اند.^{۱۰} اما برخی دیگر با توجه به معنای لغوی و استعمالات ماده در زبان عرب، این تعبیر را نوعی مدح برای راوی به حساب آورده‌اند.^{۱۱}

با توجه به معنای لغوی این ماده و کاربردهای آن و نیز با نظر به همه کاربردهای قرآنی و حدیثی، به نظر می‌رسد که «صاحب» یا «صحابی» افزون بر تعیین طبقه، مفید مدح نیز هست. در حقیقت، برگرداندن این واژه از معنای اصیل خود، نیازمند دلیل است. معنای اصیل این ماده، همراهی و همدلی یا همراهی طولانی‌مدت است. این معنا در همه کاربری‌ها وجود دارد. حال، اگر در کاربری رجالی، چنین معنایی مغفول بوده و یا مصطلح جدیدی وضع شده، اثبات آن نیازمند دلیل مستقل است. گویا چنین دلیلی وجود ندارد؛ بلکه مؤید مهمی به خلاف آن دیده می‌شود. این مؤید، کاربری «صحابی» و «صاحب» برای گروه خاصی از هم‌دوره‌های معصومان علیهم السلام است. رجالیان پیشینی این واژگان را برای هر کسی که امام را در حال ایمان دیده باشد به کار نبرده‌اند؛ بلکه آن را تنها برای کسانی که با امام، معاشرت و رفت و آمد داشته و واجد ویژگی‌های ایمانی یا همان همدلی و خشنودی از همراهی بوده‌اند، به کار می‌بردند.^{۱۲} این تفاوت در کاربری، نشان‌دهنده توجه به معنای لغوی و باقی‌بودن استعمال بر معنای اصیل است؛ به‌ویژه اگر به شکل «اصحابنا» استفاده شود.^{۱۳}

۱۰. ن. کذ الفوائد الرجالیة (کجوری)، ص ۱۰۹؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۷۳؛ بحوث فی علم الرجال، ص ۱۶.
 ۱۱. ن. کذ الفوائد الرجالیة (وحید بهبهانی)، ص ۵۰؛ منتهی المقال، ج ۱، ص ۹۳؛ طرائف المقال، ج ۲، ص ۲۶۳؛ بهجة الآمال، ج ۱، ص ۱۷۶؛ قاموس الرجال، ج ۱، ص ۶۸؛ تحریر المقال، ص ۹۱؛ بحوث فی مبانی علم الرجال، ص ۱۵۴.
 ۱۲. در فهرس اسماء مصنفی الشیعة، نجاشی این تعبیر را مضاف به اسامی مبارک ائمه علیهم السلام، تنها در جایی به کار برده که قصد مدح داشته است. کاربری این واژه نسبت به علی بن ابی‌رافع (ص ۷، ش ۲) که از عبارت «کانت له صحبة من امیر المؤمنین» استفاده شده و یا درباره ابوالجارود زیاد بن منذر (ص ۱۷۰، ش ۴۴۸) پس از اینکه گفته می‌شود: «کان من اصحاب ابی جعفر» توضیح را ادامه می‌دهد: «و تغیر لما خرج زید رضی الله عنه».
 ۱۳. بررسی همه موارد «من اصحابنا» در فهرست شیخ طوسی نشان می‌دهد که وی این تعبیر را همواره با نوعی احترام و گونه‌ای از مدح به کار برده است.

ممکن است به کاربری این واژه دربارهٔ اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، استدلال شود که در آن‌جا، کاربردی اعم از معنای لغوی دارد. این سخن درست است و ریشهٔ آن به تلاش برخی از سنّیان برای واردکردن گروه بسیاری از هم‌دوره‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به جرگهٔ اصحاب ایشان و سپس، ممدوح‌شمردن آنان، برمی‌گردد. در این مقام، برخی از شیعیان نیز از باب همراهی در تعبیر یا مسامحه، مصطلح مجعول اعم را قابل مفاهمه‌تر دانسته‌اند. این استثنا، ارتباطی با کاربردی درون‌مذهبی به‌ویژه برای اصحاب ائمهٔ علیهم السلام ندارد. بنابراین صحابی‌بودن در کاربردی درون‌مذهبی نوعی مدح برای راوی محسوب می‌شود.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، چهارم، ۱۳۷۴ش.
۲. بحوث فی علم الرجال، محمد آصف محسنی قندهاری، مشهد، ولایت، ۱۳۷۵ش.
۳. بحوث فی مبانی علم الرجال، محمد سند بحرانی، تقریر محمد صالح تبریزی، قم، عصر ظهور، اول، ۱۴۲۰ق.
۴. بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، ملّا علی عیاری تبریزی، تحقیق سید هدایت الله مسترحمی، تهران، کوشانیور، اول، ۱۳۷۱ش.
۵. تحریر المقال فی کلیات علم الرجال، مهدی هادوی تهرانی، قم، خانهٔ خرد، ۱۳۸۳ش.
۶. الرّعاية فی علم الدّیّانة، شهید ثانی (زین الدّین بن علی عاملی)، تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، قم، کتابخانهٔ آیت الله مرعشی، دوم، ۱۴۰۸ق.
۷. الصّحاح، اسماعیل بن حمّاد جوهری، تحقیق احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۸. طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، سید علی اصغر جابلقی بروجردی، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، کتابخانهٔ آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۱۰ق.
۹. العین، خلیل بن احمد فراهیدی، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، دار الهجرة، دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۰. الفروق اللّغویة، ابوهلال عسکری، تحقیق مؤسسهٔ نشر اسلامی، قم، مؤسسهٔ نشر اسلامی، اول، ۱۴۱۲ق.
۱۱. فهرس اسماء مصنّفی الشیعة، ابو العباس احمد بن علی نجاشی، تحقیق آیت الله شبیری زنجانی، قم، مؤسسهٔ نشر اسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.

۱۲. الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق جواد قیومی، قم، نشر الفقه، اول، ۱۴۱۷ق.
۱۳. الفوائد الرجالية (چاپ شده در انتهای رجال الخاقانی)، محمد باقر وحید بهبهانی، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۴۰۴ق.
۱۴. الفوائد الرجالية، محمد مهدی کجوری شیرازی، تحقیق محمد کاظم رحمان ستایش، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۸۲ش.
۱۵. قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، اول، ۱۳۷۸ش.
۱۶. معالم المدرستین، سید مرتضی عسکری، بیروت، مؤسسه نعمان، ۱۴۱۰ق.
۱۷. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم موسوی خویی، قم، نشر الثقافة، اول، ۱۳۷۲ش.
۱۸. معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۴۰۴ق.
۱۹. منتهی المقال فی احوال الرجال، محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۶ق.
۲۰. نخبه الفكر فی مصطلح اهل الاثر، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، ریاض، دار طریق، اول، ۱۴۲۲ق.